

نقد
اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی کمک‌های غذایی به فلسطین

نعمان کنفانی و سامیه البطمه



ترجمه‌ی رسول قنبری

نقد اقتصاد سیاسی

خردادماه ۱۳۹۷

این مقاله هدفی دوگانه را دنبال می‌کند. نخست، ارزیابی وخیم‌شدن اوضاع امنیت غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه از زمان بروز انتفاضه (قیام مردمی) دوم در سال ۲۰۰۰. دوم، در مورد این موضوع بحث می‌کند که ناامنی غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه عمدتاً نتیجه‌ی عدم دسترسی به غذا، هم به صورت فیزیکی و هم به صورت اقتصادی، است. عدم دسترسی فیزیکی، به مرزها و محدودیت‌های سفت و سخت در جابه‌جایی مردم و کالاها اشاره دارد که ارتش اسرائیل تحمیل کرده است، و اشکال مختلف حصارکشی، منع آمدو شد، ایجاد دیوار حایل، و مصادره‌ی زمین را در بر می‌گیرد. عدم دسترسی اقتصادی به بدتر شدن درآمد به واسطه‌ی بیکاری بالا و نبود کسب‌وکار اشاره دارد، که از عواقب بلافصل محدودیت بر روی تحرک نیروی کار و کالاها است.

گزارشی از بانک جهانی اشاره می‌کند که بحران فلسطین، یکی از بدترین نمونه‌های تاریخ معاصر است، به طوری که متوسط درآمد هر فرد بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ تا بیش از یک سوم کاهش یافته است، و بیش از نیمی از جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند.^۱ متعاقباً، وضعیت امنیت غذایی چنان وخیم شده که برنامه‌ی جهانی غذا^۱ (WFP) در سال ۲۰۰۶، بیش از نیمی از جمعیت کرانه‌ی غربی و نوار غزه را در ردیف مبتلایان به ناامنی غذایی قرار داد.

گرایش‌ها در اقتصاد فلسطین، رابطه‌ای قوی را بین محدودیت‌های تحرک، رشد اقتصادی، و (نا)امنی غذایی آشکار می‌سازد. نیل به امنیت غذایی زمانی به دست می‌آید که در سمت تقاضا، مردم و کالاها بتوانند آزادانه حرکت کنند، و در پی آن درآمدها و حقوق افزایش یابد. در سمت عرضه، محدودیت‌های تحرک، هزینه‌های معاملاتی حمل و نقل غذا را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود هزینه‌های غذا افزایش یابد در حالی که دسترسی به آن کم‌تر شده است.

این مقاله نشان می‌دهد که چه گونه برای تسکین برخی از بدترین تأثیرات ناامنی غذایی کمک‌های غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما تأکید هم می‌کند که اثرات تخفیفی برنامه‌های کمک غذایی بر فقر کم‌وبیش محدود است. کمک‌های غذایی، به‌ویژه در مورد کرانه‌ی غربی و نوار غزه، به جای درمان ریشه‌های بحران ناامنی غذایی، صرفاً علائم بیماری را درمان می‌کنند. محدودیت‌های فیزیکی درازمدت تحرک که نتیجه‌اش تکه‌تکه شدن بازار است، تحریف شدید قیمت، کمبود مواد اولیه‌ی وارداتی، و نبود بازارهای صادراتی، تهدیدی برای نابودی جبران‌ناپذیر ظرفیت‌های تولیدی فلسطینیان است. این موضوع باعث وابستگی دائمی کرانه‌ی

^۱ . World Food Program

غربی و نوار غزه به کمک‌های غذایی خواهد شد و تمام اهالی را به سمتی سوق خواهد داد که در لاک خود فرو روند، و به جامعه‌ای منزوی تبدیل شوند که همیشه به صدقات دیگران وابسته خواهد بود.

نامنی غذایی فلسطین در وهله‌ی نخست حاصل اختلال در عملکرد سیاسی منطقه‌ای است، اما جامعه‌ی بین‌الملل آن را نتیجه‌ی اختلال عملکرد تکنیکی و/یا طبیعی فرض می‌کند: جامعه‌ی بین‌الملل به جای این که در قبال نیاز مردم به تحرک و کار اقدامی انجام دهد، با روانه کردن کمک‌های غذایی، به این بحران پاسخ می‌دهد. بی‌شک، کمک‌های بشردوستانه زندگی افراد را نجات می‌دهد، اما کمک‌های غذایی هرگز نمی‌تواند راه‌حلی دائمی برای بهبود اوضاع فقر و حفظ کرامت مردم باشد.

کرانه‌ی غربی و نوار غزه در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۹۰ به رغم آشفتگی‌های سیاسی، به‌طور مداوم در حال پیشرفت در زمینه‌ی امنیت غذایی بود. عرضه‌ی مواد غذایی داخلی پایه‌پای دسترسی به مواد غذایی در حال بهبود بود. این روند مثبت در اواخر سال ۲۰۰۰ به شدت مختل شد و دو سال بعد که ارتش اسرائیل بار دیگر کل نوار غزه و کرانه‌ی غربی را اشغال کرد، به اوج خود رسید. فاجعه‌ی انسانی سایه‌ی سنگین‌اش را بر زندگی فلسطینیان افکند و ضربه‌هایی جدی بر امنیت غذایی وارد کرد. برای نشان دادن این تحولات، مقاله با ارائه‌ی پیشینه‌ای از ویژگی‌های اصلی اقتصاد کرانه‌ی غربی و نوار غزه آغاز می‌شود. سپس پدیده‌ی خاص محدودیت تحرک را به تصویر می‌کشیم - محصور کردن جمعیت با اعمال محدودیت‌های فیزیکی شدید در جابه‌جایی - تا شاید خواننده بتواند فاجعه‌ی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی را که از سال ۲۰۰۰ به این سو در کرانه‌ی غربی و نوار غزه روی داده، دریابد. در بخش دوم، با بررسی روندهای عرضه و نیز مصرف مواد غذایی، مسائل مرتبط با سیاست را با در نظر گرفتن عدم امنیت غذایی در فلسطین ارزیابی می‌کنیم. بخش سوم، سهامداران اصلی تجارت کمک‌های غذایی را شناسایی می‌کند. در بخش چهارم، دامنه و محدودیت سیاست‌های کمک‌های غذایی در فلسطین مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه

اقتصاد

به‌رغم نوسانات شدید، اقتصاد کرانه‌ی غربی و نوار غزه، شاهد روند رشدی قدرتمند در دوره‌ی ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ بوده است. این روند در نتیجه‌ی خوش‌بینی نسبت به توافق صلح در آینده و همچنین سهولت نسبی دسترسی به بازارهای خارجی، از جمله بازار کار اسرائیل، به‌وجود آمد. سرمایه‌گذاری ثابت در سال‌های ۱۹۹۴

تا ۱۹۹۹، ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی بود و در سال ۱۹۹۹ این نسبت به ۴۵ درصد رسید.^۳ عمده‌ی این سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی انجام گرفت، هر چند به نسبت زیادی در ساخت‌وساز منازل مسکونی نیز صورت پذیرفت. در طول همان دوره، نرخ اشتغال نیروی کار به تدریج از ۶۱٪ به ۸۳٪ افزایش یافت (جدول A۱ در ضمیمه‌ی این مقاله را ببینید). در سال ۱۹۹۹ آمار شاغلان فلسطینی در اسرائیل به میانگین ۱۳۴،۰۰۰ کارگر رسید که ۲۳٪ کل شاغلین فلسطینی را تشکیل می‌داد.^۴ این روند مطلوب به بهبود استانداردهای زندگی منجر شد و در نرخ متوسط فقر (۲۰٪ جمعیت کرانه‌ی غربی و نوار غزه در سال ۱۹۹۹) انعکاس یافت. ناامنی غذایی، دیگر نگرانی بخش نسبتاً محدودی از جمعیت فلسطین بود، یعنی عمدتاً کسانی که از فرط فقر، ناتوان شده بودند.

در پایان دهه‌ی ۱۹۹۰، روابط بین اسرائیل و دولت فلسطین (PA)^۲ گرایش به تنش یافت. اسرائیل برای تحمیل سازش‌های سیاسی به دولت فلسطین، کرانه‌ی غربی و نوار غزه را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار داد. دولت فلسطین این‌گونه احساس می‌کرد که به نظر می‌رسد اسرائیل در انجام تعهدات خود برای ایجاد یک کشور دولت فلسطینی با حق حاکمیت مستقل، جدی نباشد. همچنان‌که امیدها از بین رفته است، چرخه‌ی شریر خشونت و مقابله به مثل، بر صحنه مسلط شد. بسیاری از جنبه‌های بالقوه مثبت توافقنامه اسلو^۳ بر اقتصاد فلسطین، مانند دسترسی آزاد به بازار غنی اسرائیل و جهان خارج، نقل و انتقال امن بین کرانه‌ی غربی و نوار غزه و جریان تحرک آزاد نیروی کار فلسطین به اسرائیل، غیرقانونی، غیرقابل پیش‌بینی، و وابسته به اختیارات غیرقابل پذیرش سیاستمداران اسرائیلی شد.

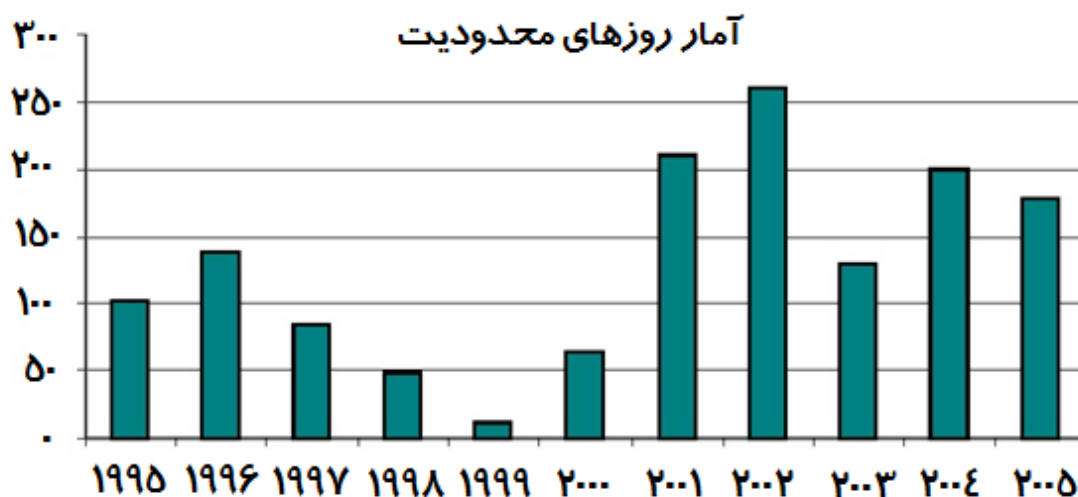
فاجعه‌ی انسانی

پیشرفت کلی اوضاع در جهت نیل به افزایش دسترسی به غذا برای همه‌ی مردم، ناگهان با انتفاضه‌ی دوم در سپتامبر ۲۰۰۰ قطع شد.^۵ ویژگی اصلی وضعیت جدید، تشدید و نهادینه کردن محدودیت‌هایی بود که بر تحرک آزاد مردم فلسطین و کالاها اعمال شد. این اعمال محدودیت‌ها اشکال مختلفی به خود گرفتند، از جمله بستن راه‌ها، ایستگاه‌های بازرسی پرواز، تعبیه بلوک‌های جاده‌ای، قوانین رانندگی و دیوارهای حائل (که در برخی بخش‌ها به ۱۲ متر می‌رسد و از میان مراکز شهری، روستایی و اردوگاه پناهندگان فلسطینی می‌گذرد).^۶

^۲ . Palestinian Authority

^۳ . Oslo Accords

اعمال محدودیت‌های رفت‌وآمد در کرانه‌ی غربی و نوار غزه به سه طریق شکل گرفته‌اند: (۱) محدودیت در مرزهای داخلی، ممنوعیت حرکت در کرانه‌ی غربی و نوار غزه، که توسط منع اجباری رفت‌وآمد تقویت می‌شود؛ (۲) محدودیت در مرزهای خارجی بین اسرائیل و کرانه‌ی غربی و نوار غزه (و در نتیجه نیز بین کرانه‌ی غربی و نوار غزه)؛ و (۳) محدودیت خارجی عبور از بندر بین کرانه‌ی غربی و اردن و نیز بین غزه و مصر. در طول سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹، در مجموع ۳۱۱.۵ روز محدودیت کامل بر مرزهای کرانه‌ی غربی و نوار غزه اعمال شد.^۷ تعداد روزهای محدودیت (کامل و جزئی) مرزها، پس از انتفاضه به شدت افزایش یافت. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۲، محدودیت مرزها بیش از ۲۵۰ روز اعمال شد، بدین معنا که فلسطینیان در طول سال کمتر از ۴ ماه آزادی تحرک داشتند (نمودار ۱).



محدودیت‌های حرکت به‌طور گسترده‌ای در کل زنجیره غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه تأثیر منفی داشت، این زنجیره شامل تولید داخلی، واردات مواد غذایی، توانایی دسترسی به غذا و دسترسی به مواد غذایی برای نیازمندان، قیمت مواد غذایی و مهم‌تر از همه دسترسی اقتصادی مردم به غذا می‌شد. اسرائیل محدودیت عبور و مرور، منع آمدوشد، تهاجم، مصادره‌ی زمین و تخریب اموال تولیدی را شروع کرد تا اقتصاد فلسطین را به زانو درآورد، که نتیجه‌اش سطح بی‌سابقه‌ای از بیکاری و فقر بود. در عین حال، درآمدهای معافیت مالیاتی که عاید دولت فلسطین می‌شد، توسط اسرائیل قطع شد و درآمدهای عمومی داخلی به دلیل افزایش بیکاری و کاهش تقاضا کاهش یافت. کاهش شدید درآمد زمانی اتفاق افتاد که یک شبکه‌ی رفاه اجتماعی بسیار قوی مورد نیاز بود.^۸ تا سال ۲۰۰۲، درآمد سرانه واقعی به ۵۴ درصد سطح سال ۲۰۰۰ کاهش یافت و بیش از نیمی از جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کردند (جدول A۱).

گزارشی از بانک جهانی، آسیب مادی در نتیجه‌ی سیاست‌های اسرائیل را در کرانه‌ی غربی و نوار غزه از سپتامبر ۲۰۰۰ تا دسامبر ۲۰۰۱، معادل ۳۰۵ میلیون دلار برآورد کرد که بیش‌تر آن در بخش کشاورزی بود. در اواخر سال ۲۰۰۲، پس از عملیات نظامی بزرگ اسرائیل که منجر به اشغال مجدد کرانه‌ی غربی و نوار غزه شد، این رقم تا ۹۳۰ میلیون دلار افزایش یافت.^۹ خسارت شامل تلفاتی می‌شد که از تخریب یا از بین بردن گلخانه‌ها، مزارع دام و طیور، چاه‌ها، مزارع، سیستم‌های آبیاری و حوضچه‌ها، حصارها و دیوارها، خطوط لوله اصلی، ایستگاه‌های بسته‌بندی و آزمایشگاهی، قلمستان‌ها، غلات، درختان، مزرعه سبزیجات، و همچنین کشته شدن گاوها، گوسفندان، بزها، طیور و کندوهای آسیب دیده ناشی می‌شد.^{۱۰}

پی‌آمد سریع دیگر، ازدست‌دادن ۱۰۹۰۰۰ شغل در سه‌ماهه‌ی سوم و چهارم سال ۲۰۰۰ بود، معادل کاهش ۱۸ درصدی.^{۱۱} بیش‌ترین آسیب متوجه شاغلین در اسرائیل و شهرک‌ها شد و شمار شاغلین در پایان سال ۲۰۰۰ حدود ۹۰،۰۰۰ و در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به ترتیب ۴۷،۰۰۰ و ۲۰،۰۰۰ کاهش یافت.^{۱۲} از دست دادن اشتغال، تأثیر زیادی بر اقتصاد فلسطین گذاشت: در سال ۲۰۰۰، به‌رغم رشد چشمگیر در سه‌ماهه‌ی نخست، تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه ۹.۶٪ کاهش یافت. در سال ۲۰۰۵، تولید ناخالص ملی سرانه‌ی واقعی کم‌تر از میزان آن در سال ۱۹۹۶ بود (جدول ۱A). به‌گفته‌ی بانک جهانی، آمار بیکاری به حدود ۱۰۰،۰۰۰ شغل در سال ۲۰۰۵ رسید و به‌طور مستقیم بر رفاه حدود ۷۰۰،۰۰۰ نفر و یا ۲۰ درصد جمعیت کرانه‌ی غربی و نوار غزه تأثیر گذاشت^{۱۳} و به کاهش استانداردهای زندگی منجر شد. بانک جهانی برآورد می‌کند که قبل از آغاز انتفاضه، ۲۰٪ جمعیت زیر خط فقر با درآمد ۲.۱ دلار در روز زندگی می‌کرده‌اند. این تعداد تا دسامبر سال ۲۰۰۰ به ۲۷٪، و در دسامبر سال ۲۰۰۱ به ۳۷٪ و در دسامبر سال ۲۰۰۲، به ۵۱٪ افزایش یافت. در حالی که در سال ۱۹۹۷، حدود ۲۰۰،۰۰۰ فلسطینی (۸.۵٪ جمعیت) از سازمان‌های امدادی، کمک‌های مختلف از جمله کمک‌های غذایی دریافت می‌کردند، این رقم در سال ۲۰۰۱ نزدیک به ۱.۷ میلیون نفر رسید، چیزی حدود ۵۱ درصد جمعیت کرانه‌ی غربی و نوار غزه.^{۱۴}

مسائل سیاسی

امنیت غذایی: تعریف

دو تن از محققان ادعا می‌کنند که تا سال ۱۹۹۲ حدود ۲۰۰ تعریف از امنیت غذایی در ادبیات وجود داشت. اما تعریف دقیقی که در سال ۱۹۹۶ توسط مجمع جهانی غذا^۴ تصویب شد، با استقبال فراگیری به رسمیت شناخته شد. این تعریف اشاره می‌کند که امنیت غذایی «زمانی است که تمامی افراد، در تمام اوقات، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، سالم و مغذی دارند تا بتوانند نیازهای رژیم و ترجیحات غذایی خود را برای زندگی فعال و سالم برطرف کنند»^{۱۵}.

این تعریف تأکید می‌کند که امنیت غذایی دارای چهار جزء ضروری است که همه‌ی این اجزا، قبل از این که فرد (یا خانوار یا کشور) به امنیت غذایی بیندیشد، باید حضور داشته باشند. این اجزا شامل این موارد می‌شود: فراهم بودن (به طوری که مقادیر کافی از مواد غذایی با کیفیت وجود داشته باشد، چه تولید داخل کشور باشد و چه مواد غذایی وارداتی)، دسترسی (افراد دسترسی به رژیم غذایی مناسب و مغذی داشته باشند)، ثبات (دسترسی به غذا در طول زمان بدون خطر از دست دادن دسترسی به دلیل شوک‌های اقتصادی و یا اقلیمی) و سودمندی (که مصرف غذا با آب تمیز، بهداشت مناسب و مراقبت‌های بهداشتی همراه باشد). این تعریف بر طرف تقاضا و مصرف تأکید دارد. بر خلاف تعاریف قبلی که در اکثر موارد صرفاً بر بخش عرضه متمرکز بود، این تعریف بر ابعاد دسترسی - حق به داشتن غذا - به‌ویژه توسط افراد آسیب‌پذیر تأکید می‌کند.^{۱۶}

عرضه غذا

هر سال، تولید مواد غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه، عمدتاً به دلیل تغییرات در شرایط آب و هوایی و چرخه‌ی دوساله‌ی قوی در تولید زیتون به‌طور قابل توجهی تغییر می‌کند. میانگین کل تولید مواد غذایی در طول سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ برابر با ۸۳۵ میلیون دلار بود که اقلام اصلی (به درصد) به ترتیب عبارت بودند از: سبزیجات (۲۷)، گوشت (۲۶)، میوه (۱۵)، زیتون (۱۴)، شیر (۹) و تخم مرغ (۴). بی‌ثباتی در تولید محصولات کشاورزی مشکلی بزرگ برای تولیدکنندگان است، اما لزوماً برای مصرف‌کنندگان این گونه نیست، چراکه واردات مواد غذایی تجاری، سهم بزرگی از رژیم غذایی را تشکیل می‌دهد. در طول دوره‌ی ۱۹۹۸ تا

^۴ . World Food Summit

۲۰۰۰ ارزش واردات خالص سالانه به ازای هر فرد به طور متوسط ۱۰۰ دلار بود، با ارزش سالانه ۲۹۰ میلیون دلار. حدود ۴۰ درصد از هزینه های واردات مواد غذایی به غلات تخصیص یافته بود، و درصد کمتری نیز برای واردات میوه، لبنیات و واردات گوشت (به ترتیب ۱۱، ۱۰ و ۵ درصد). بیش از ۸۷٪ واردات محصولات کشاورزی، از اسرائیل بوده است. در سال ۲۰۰۰، کسری بودجه کرانه ی غربی و نوار غزه در تراز تجاری کشاورزی با اسرائیل ۳۳۵ میلیون دلار بود، یا معادل ۲۴٪ کل کسری تجاری در آن سال.^{۱۷}

سبزیجات به عنوان کالای صادراتی دارای بیشترین درآمد ارزی در کرانه ی غربی و نوار غزه است، و پس از آن میوه ها قرار دارند. در سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، این دو نوع مواد غذایی، ۶۵٪ ارزش صادرات کشاورزی را به خود اختصاص دادند. سبزیجات تنها بخش مواد غذایی هستند که صادرات خالص را در سال های خوب آب و هوایی نشان می دهند و این، بدان معنی است که بدون تولید غذاهای فاسدشدنی مانند میوه ها و سبزیجات، کسری تجاری بسیار بالاتر می بود.

هنگامی که داده ها در مورد ارزش تولید و واردات خالص ترکیب می شوند، مقدار متوسط عرضه ی مواد غذایی در کرانه ی غربی و نوار غزه برای سال های ۱۹۹۶-۱۹۹۸ معادل ۳۸۵ دلار/ نفر/ سال است. سهم تولید داخلی در کل مواد غذایی در حدود ۷۰ درصد است. بیش تر مواد غذایی مصرف شده، اگر به مقدار یا میزان ارزش، اندازه گیری شود در داخل کشور تولید می شود، اما زمانی که از لحاظ انرژی غذایی محاسبه می شود، بیشترین مقدار کالری مصرفی از آن منابع خارجی است.^{۱۸} این بدان معنی است که دسترسی به بازارهای غذایی اسرائیلی یا بین المللی، برای حفظ عرضه ی مواد غذایی کافی در کرانه ی غربی و نوار غزه ضروری است.

از آنجا که آن ها توانایی رشد محدودی برای دسترسی به زمین های خود و دسترسی مصرف کنندگان به واردات بازار مواد غذایی دارند، محدودیت های عبور و مرور اعمال شده از سوی اسرائیل، برای تأمین مواد غذایی در کرانه ی غربی و نوار غزه زیان آور است. جدول یک نشان می دهد که در حالی که ارزش تولیدات کشاورزی داخلی به طور قابل توجهی کاهش نیافته است، ارزش افزوده ی کشاورزی از سال ۲۰۰۰ کم تر از هزینه های مواد اولیه و یا فقط اندکی بالاتر از آن بوده است.

محدودیت های عبور و مرور از طریق تأثیرگذاری بر قیمت مواد غذایی، تأثیر خود را می گذارد. این تأثیر موضوع ناشی از هزینه ی بالاتر حمل و نقل، مدت زمان طولانی تر تحویل و سایر هزینه های مرتبط با غیرقابل پیش بینی بودن محدودیت های عبور و مرور است. به عنوان مثال، واردکنندگان و صادرکنندگان از نوار غزه، افزایشی ۱۰ برابری را در هزینه های حمل و نقل از بندر اشداد به غزه را تجربه کردند. (۲۳۰۰ دلار

به ازای هر کامیون در سال ۲۰۰۶ در مقایسه با ۲۵۰ دلار قبل از انتفاضه). در نتیجه قیمت مواد غذایی افزایش یافته است، به ویژه در نوار غزه، که شاخص قیمت مصرف کننده برای مواد غذایی در دسامبر ۲۰۰۶ نسبت به دسامبر ۲۰۰۵ معادل ۱۲ درصد افزایش یافت.^{۱۹}

مصرف مواد غذایی

برای کسانی که فعالیت بدنی سبکی دارند، آستانه‌ی مصرف انرژی و مصرف پروتئین کافی برای برآوردن نیاز روزانه انرژی که توسط متخصصان تغذیه تعیین می‌شود، به ترتیب ۲۱۰۰ کیلوکالری و ۵۳ گرم است. یک نظرسنجی از خانوارها توسط دفتر مرکزی آمار فلسطین (PCBS) نشان می‌دهد که مصرف انرژی و پروتئین توسط جمعیت فلسطینی در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۸ به ازای هر فرد در روز به میزان ۲،۱۱۴ کیلوکالری و ۵۶.۳ گرم بود. این مقادیر صرفاً کمی بالاتر از آستانه‌ی توصیه شده است.^{۲۰}

داده‌های مربوط به دسترسی به مواد غذایی و میزان مصرف انرژی و پروتئین در طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۸، درست همان‌طور که در داده‌های جمع‌آوری شده و نظرسنجی‌ها نشان داده می‌شود، بیان می‌کند که فلسطینی‌ها دارای امنیت غذایی نسبی بودند. با این همه، این وضعیت از زمان آغاز انتفاضه در سال ۲۰۰۰ به شدت تغییر کرده است. بدتر شدن شرایط اقتصادی و کاهش سطح زندگی و نیز افزایش قیمت مواد غذایی سبب افزایش ناامنی غذایی شده است. به همین ترتیب، دسترسی اقتصادی به غذا نه به دلیل کمبود مواد غذایی بلکه از لحاظ قدرت خرید، محدودیت اصلی برای حفظ یک رژیم سالم و مغذی است. طبق گفته‌ی سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل (FAO)، اعضای خانواده‌های آسیب‌پذیر برای مقابله با این وضعیت، مقدار بسیار کمی پروتئین با قیمت‌های گزاف مصرف می‌کنند و وعده‌های غذایی زیادی صرفاً از نان و چای تشکیل شده است.^{۲۱} بنابراین، یکی از عواقب ناشی از این فقر گسترده، سوءتغذیه است. بانک جهانی تخمین می‌زند که مصرف سرانه‌ی واقعی مواد غذایی بین سال‌های ۱۹۹۸ تا پایان سال ۲۰۰۲، به میزان ۲۵٪ کاهش یافته است. در نتیجه، نرخ سوءتغذیه افزایش یافته است. یکی از نظرسنجی‌های PCBS افزایشی چشمگیر را هم در سوءتغذیه حاد و هم در سوءتغذیه مزمن، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ نشان می‌دهد.^{۲۲}

گروه‌های ذی‌نفع

از آنجایی که از سال ۲۰۰۰، پس از پیامدهای ویرانکننده‌ی اقدامات اسرائیل، دسترسی به مواد غذایی به یک مشکل جدی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه تبدیل شد، فائو با همکاری برنامه‌ی جهانی غذا (WFP) در سال ۲۰۰۳ اولین ارزیابی آسیب‌پذیری را انجام داد. هدف این همکاری این بود که جمعیت دچار ناامنی غذایی و عوامل و علل ناامنی و آسیب‌پذیری آن‌ها مشخص شود.^{۳۳} این مطالعه تأیید کرد که منع رفت‌وآمد، محدودیت‌ها و دیوار حایل، تأثیرات مخربی بر معیشت مردم فلسطین داشته است و همچنان دارد. در عین حال، طولانی شدن این محدودیت‌ها، به‌طور دائمی، بهبود آسیب‌های وارده به خانوارها را به خطر می‌اندازد و توانایی آن‌ها را برای دستیابی به امنیت غذایی در درازمدت تضعیف می‌کند. به‌طور خاص، این ارزیابی نتیجه‌گیری کرد که ناامنی غذایی در سال ۲۰۰۳ برای ۱.۴ میلیون نفر تهدیدی واقعی و دائمی بود، به عبارتی ۴ نفر از هر ۱۰ نفر در کرانه‌ی غربی و نوار غزه در معرض تهدید قرار داشتند. علاوه بر این، ناامنی غذایی، تهدیدی تقریباً دائمی برای ۱.۱ میلیون نفر دیگر (۳۰ درصد دیگر جمعیت) بود.

در کرانه‌ی غربی، ناامنی غذایی نسبتاً گسترده است: ۸۴۲۰۰۰ نفر از مجموع جمعیت ۲،۲ میلیون نفر گرفتار ناامنی غذا بودند؛ که شامل اورشلیم شرقی نیز می‌شود. جمعیت متراکمی از مردمی که به ناامنی غذایی دچار بودند در محدوده‌های نزدیک خط سبز و مناطق تحت تأثیر ایجاد دیوار حایل اسرائیل و همچنین در نزدیکی شهرک‌ها و مناطق نظامی بودند که در آن موانع تردد داخلی، مانع دسترسی به زمین‌های کشاورزی و بازار می‌شود. تخمین زده شد که در غزه ۴۱٪ از جمعیت (۵۵۲،۰۰۰ نفر) دچار ناامنی غذایی بودند.

برنامه‌ی جهانی غذا در سال ۲۰۰۴، ارزیابی‌های مقدماتی فائو را به‌روز کرد. ارزیابی جدید، بهبود کوچکی را در شرایط کلی نشان می‌داد که ناشی از کاهش محدودیت‌های رانندگی و بازپرداخت جزئی پول تسویه از طرف اسرائیل به دولت فلسطین بود. در سال ۲۰۰۴ برنامه‌ی جهانی غذا تعداد کل افراد دچار به ناامنی غذایی را ۱.۳ میلیون نفر (۱.۴ میلیون در سال ۲۰۰۳) اعلام کرد. جمعیت مواجه با خطر ناامنی غذا به میزان ۲۷ درصد (۳۰ درصد در سال ۲۰۰۳) تخمین زده شد. مطالعات عمیق‌تر نشان داد که ناامنی غذایی در سطوح استانی بسیار متفاوت است. ناامنی غذایی در مناطقی نزدیک به شهرک‌ها و دیوار حایل که در آن محدودیت تحرکات فیزیکی و تخریب اموال تولیدی بسیار بالا است، بیش‌تر است.^{۳۴}

مرتبط‌ترین نتیجه‌گیری دومین ارزیابی از آسیب‌پذیری، همچنان نشان می‌دهد که به‌طور کلی غذا در کرانه‌ی غربی و نوار غزه در دسترس است، اما دسترسی به دلایل فیزیکی (منع اجباری، محدودیت تحرک) و دلایل اقتصادی (بیکاری بالا، فقدان منابع، فرسایش استراتژی‌های مقابله، و شبکه‌های پشتیبانی اجتماعی

تضعیف شده) محدود شده است. خانوارها توانسته‌اند این شرایط دشوار را مدیریت کنند؛ اگر چه با کاهش منابع، بالا رفتن آسیب‌پذیری نسبت به شوک‌ها و افزایش کمک‌های غذایی.

فقر مزمن و فقر جدید

خانوارهایی که بیش‌ترین آسیب‌پذیری را نسبت به ناامنی غذایی دارند، به عنوان فقرای دیرپا و فقرای جدید شناخته می‌شوند. فقرای دیرپا خانواده‌هایی هستند که دارای اعضای مریض یا غیرفعال، زنان سرپرست خانوار، بیوه‌ها و سالمندان بدون درآمد باشند. این رده شامل پناهندگانی است که توسط آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد (UNRWA)^۵ به عنوان موارد دشوار ویژه (SHC) طبقه‌بندی می‌شوند؛ و غیرپناهندگانی که به عنوان موارد دشوار اجتماعی (HSC) طبقه‌بندی می‌شوند.^{۲۵} بسیاری از فقرای دیرپا حتی قبل از انتفاضه نیز جزو فقرا بودند. معیشت آنها تغییر چشمگیری نداشته است اما آنها به تدریج وضعیت بدتری را تجربه کرده‌اند. آسیب‌پذیرترین افراد در میان فقرا کسانی هستند که از هیچ یک از مؤسسات رفاه ملی یا سازمان‌های بشردوستانه کمک مالی و یا کمک‌های غذایی دریافت نمی‌کنند. این گروه کم‌ترین امکانات را برای مقابله با کمبود غذا دارند.

فقرای جدید کسانی هستند که در نتیجه‌ی آشفتگی و محدودیت‌های پس از سال ۲۰۰۰، منبع اصلی معاش خود را از دست داده‌اند. این گروه شامل بیکارانی که قبلاً کارگر مزدبگیر بودند، افرادی که زمین‌هایشان مصادره یا کسب‌وکارشان نابود شده، کسانی که خانه‌هایشان تخریب شده و کشاورزان - از جمله بادیه‌نشینان - ماهی‌گیران و معامله‌گرانی که دسترسی به زمین، دریا و بازار را از دست داده‌اند. دارایی‌های تولیدی و پس‌اندازها در این گروه به سرعت کاهش می‌یابد و بعید به نظر می‌رسد که حتی اگر وضعیت بهبود یابد، آنها به راحتی به امنیت غذایی دست یابند. در سال ۲۰۰۳ شمار فقرای جدید در کرانه‌ی غربی و نوار غزه به ۱،۱ میلیون نفر می‌رسید.

کمک‌های غذایی - اگرچه ممکن است برخی از مخرب‌ترین اثرات پیامدهای اقتصادی محدودیت‌های تحرک را کاهش دهد - در رویارویی با ریشه‌های ناامنی غذایی فقرای جدید بی‌اثر است. آسیب‌پذیری آنها به علت تحولات سیاسی رخ داده است. بر این اساس، تنها راه مقابله با تضعیف امنیت غذایی برای این گروه، لغو محدودیت‌های حرکتی خواهد بود تا وضعیت را به روال طبیعی و زندگی را به حالت عادی بازگرداند.

^۵ . United Nations Relief and Works Agency

ارائه‌دهندگان کمک‌های غذایی

تعدادی از سازمان‌ها و فعالان برای برآورده ساختن نیازهای گروه بزرگی از مردم که از سال ۲۰۰۰ دچار ناامنی غذا شده‌اند، کمک‌های بشردوستانه، از جمله کمک‌های غذایی را تأمین می‌کنند. این‌ها را می‌توان به سه نوع نهاد طبقه‌بندی کرد: (۱) مؤسسات دولتی فلسطینی؛ (۲) سازمان‌های غیردولتی فلسطینی و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی؛ و (۳) سازمان‌های بین‌المللی. مهم‌ترین برنامه‌های امدادسانی که توسط وزارت امور اجتماعی فلسطین^۶ ارائه می‌شود، مربوط به موارد آسیب‌های سخت اجتماعی است (حدود ۴۷،۰۰۰ خانوار)؛ که شامل گروه‌های آسیب‌پذیری مانند خانوارهای تحت پوشش زنان، بیوه‌ها، یتیمان و سالمندان می‌شود.^۶ این برنامه شامل پرداخت پول نقد و کمک‌هایی از این دست است. یکی دیگر از برنامه‌ها، برنامه‌ی شبکه امنیت اجتماعی است که شامل ۹ برنامه‌ی فرعی می‌شود که از میان آن‌ها، تنها برنامه‌ی حفاظت اجتماعی عملی است، چرا که به‌دلایلی شاهد کاهش چشمگیر درآمد دولت فلسطین هستیم. هدف برنامه‌ی حمایت اجتماعی، فقیرترین شهروندان است که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد خانوارهای کرانه‌ی غربی و نوار غزه را در بر می‌گیرد.

تعداد سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی که خدمات خیریه را در کرانه‌ی غربی و نوار غزه ارائه می‌کنند بسیار زیاد است. بیش‌ترین کمک غذایی که توسط سازمان‌های غیردولتی توزیع می‌شود، اما قطعاً نه همه‌شان، در اصل از سازمان‌های بزرگ بین‌المللی مانند برنامه‌ی جهانی غذا و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)^۷ به آن‌ها تحویل داده شده است. سه سازمان بین‌المللی، کمک‌های غذایی را به‌طور منظم ارائه می‌دهند: (۱) سازمان وابسته به ملل متحد امداد و کار برای پناهندگان فلسطینی UNRWA به‌طور انحصاری به پناهندگان در کرانه‌ی غربی و نوار غزه (حدود ۱.۷ میلیون) کمک می‌کند؛ در حالی که تمام پناهندگان در کرانه‌ی غربی و نوار غزه حق دسترسی به خدمات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی UNRWA دارند، غذا و کمک‌های نقدی محدود به موارد دشوار و ویژه است؛ (۲) کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) کمک‌های نقدی و مواد غذایی را به فقرای (غیرپناهنده) فلسطینی ارائه می‌دهد؛ و (۳) برنامه‌ی جهانی غذا WFP، ارائه‌دهنده‌ی اصلی کمک غذایی برای غیرپناهندگان است. WFP کمک به خانواده‌های دچار ناامنی غذایی را از طیف وسیعی از برنامه‌های تسکینی و توانبخشی، معمولاً از طریق یک واسطه، با جیره‌های غذایی خاص گروه خاص، گسترش می‌دهد.

^۶ . Palestinian Ministry of Social Affairs

^۷ . International Committee of the Red Cross

کمک‌های غذایی: قلمرو و محدودیت

مساعدت غذایی

در نتیجه‌ی افول چشمگیر شرایط اقتصادی و رفاه در کرانه‌ی غربی و نوار غزه از سال ۲۰۰۰، برنامه‌های مساعدت غذایی، به‌سرعت از یک برنامه‌ی کوچک متمرکز بر فقرای دیرپای پیش از انتفاضه به جزء اصلی نظام رفاه اجتماعی تبدیل شد. کمک‌های غذایی اضطراری بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ از ۲۳،۰۰۰ تن به ۱۶۸،۰۰۰ تن افزایش یافت (جدول A۲)، که در آن زمان حدود ۱.۷ میلیون نفر در کرانه‌ی غربی و نوار غزه هدف کمک‌های غذایی بودند.

از مجموع تعداد ۲۶۵۰۰۰ فقرای دیرپا در سال ۲۰۰۳، ۱۱۵،۰۰۰ نفر بسته‌های مساعدت از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNRWA) دریافت می‌کردند که شامل حداقل ۱۷۰۰ کیلوکالری (۷۵ درصد محصولات از آرد و برنج) بود. این مقدار صرفاً حدود ۸۰ درصد از نیازهای حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۰۰ کیلوکالری) است. باقی فقرای پایدار، حدود ۱۵۰ هزار نفر، طبق شاخص‌های WFP، یک سبد غذایی حاوی ۲۱۰۰ کیلو کالری غذا دریافت کردند. فقرای جدید، حدود ۱.۴ میلیون نفر، سبد غذایی کوچک‌تری نسبت به فقرای دیرپا دریافت کرده‌اند، که تقریباً ۱۰۲۰ کیلو کالری جیره برای پناهندگان و ۱۴۰۶ کیلو کالری برای غیرپناهندگان فراهم می‌آورد. واضح است کسانی که بسته‌های غذایی را با این مقدار از انرژی غذایی دریافت می‌کنند باید دسترسی به منابع جایگزین قابل‌توجهی از درآمد یا مساعدت داشته باشند تا امنیت غذایی‌شان تأمین شود.

نگاهی به مقادیر کلی کمک‌های غذایی که در سال‌های گذشته به کرانه‌ی غربی و نوار غزه تحویل داده شده است، نشان‌دهنده‌ی افزایش روند، اگرچه همراه با نوسانات شدید و غیر قابل توضیح است: ۱۸۴،۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۱؛ ۸۱،۰۰۰ در سال ۲۰۰۲؛ و ۲۰۲،۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۴ (جدول A۲ را ببینید). با توجه به این که در کرانه‌ی غربی و نوار غزه تعداد کسانی که دچار ناامنی غذای بوده‌اند، یا افزایش یافته یا حداقل ثابت مانده است (همان‌طور که در طول سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ این‌گونه بود)، نمی‌توان تغییرات سریع در کمک‌های غذایی رسیده را به وسیله تغییرات موازی در نیازها توضیح داد. ظاهراً حجم کمک‌های غذایی به جای انگیزه‌های تقاضا، از انگیزه‌های عرضه نشأت می‌گیرد. کمک‌های غذایی به جای توجه به نیازهای انسانی

فلسطینیان مبتلا به ناامنی غذایی، به ظرفیت‌های جامعه‌ی بین‌الملل برای ارائه‌ی کمک بستگی دارد. کمک‌های غذایی ممکن است نتواند منبعی قابل اعتماد برای درمان ناامنی غذایی باشد.

اگر تلاش‌های جامعه بین‌الملل به سمت حل و فصل ریشه‌ای ناامنی غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه هدفمند شود، پایدارتر و پُر ثمرتر خواهد بود، و ریشه‌ی ناامنی غذایی نیز چیزی نیست جز اشغال سرزمین‌های فلسطین و محدودیت‌های تحرک به دست اسراییل. در حالت عادی، اگر مردم فلسطین بتوانند آزادانه حرکت کنند، کسب و کار خود را داشته باشند، در فعالیت‌های مربوط به واردات و صادرات فعالیت کنند، از منابع طبیعی و انسانی موجود استفاده کنند، امنیت غذایی باز خواهد گشت. سایه‌ی گرسنگی به پدیده‌ای گذرا تبدیل می‌شود که مربوط به یک فاجعه‌ی موقت انسانی بود. اگر وضعیت فعلی همچنان ادامه یابد، ناامنی غذایی به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم کرانه‌ی غربی و نوار غزه تبدیل خواهد شد که به موجب آن افراد به مرور ناتوان و کاملاً وابسته به خیریه خواهند شد، وضعیتی که اگر تلاش‌ها همین مسیر را ادامه دهند کاملاً اجتناب‌ناپذیر است.

برآورد نیازهای کمک‌های غذایی، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷

تحقیقات فائو در سال ۲۰۰۴ مبنی بر این بود که به منظور دستیابی به هدف حمایت از فقرا و دیرپا و فقرای جدید، با فراهم کردن ۲۲۰۰ کیلوکالری لازم در روز برای آن‌ها، کل کمک غذایی به کرانه‌ی غربی و نوار غزه باید در سال ۲۰۰۴ حدود ۳۵۰ هزار تُن باشد که هزینه‌ی آن حدود ۱۵۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. هزینه‌های برنامه‌های مساعدت غذایی کم است، چرا که سبدهای غذایی پیشنهاد شده حاوی غذاهای کم‌هزینه با انرژی بالا، بیش‌تر شامل غلات، قند، و روغن پخت‌وپز است.^{۲۷} اما مطالعات با علم به این که این مقدار کمک غذایی ممکن است قابل دستیابی نباشد، تأکید کرد که وقتی فقرا دیرپا و فقرا جدید به ترتیب معادل ۱۰۲۰ کیلوکالری و ۱۴۰۰ کیلوکالری انرژی غذایی را به ازای هر فرد در روز دریافت می‌کنند، در سال ۲۰۰۴، مجموع ۲۰۸،۰۰۰ تن کمک غذایی (۹۲.۵ میلیون دلار) کافی خواهد بود. این مقدار به مراتب کم‌تر از حداقل توصیه شده در مورد حداقل ۲۱۰۰ کیلوکالری در روز است. این برآورد فرض می‌کند که برخی از فقرا به مقدار کافی منابع دیگری دسترسی دارند تا رژیم غذایی خود را به سطح لازم برسانند و نیازهای دیگر خود را پوشش دهند. اما بدیهی است که با ۱.۴ میلیون نفر مبتلا به ناامنی غذایی، بسیاری از افراد به هیچ نوع غذایی دسترسی ندارند.

هنگامی که برنامه‌ی جهانی غذا WFP نیازهای غذایی کرانه‌ی غربی و نوار غزه را برای دوره‌ی ۷-۲۰۰۵ ارزیابی می‌کرد، در مطالعات خود رویکرد برآورد نادرستی را اتخاذ کرد. همان طور که قبلاً ذکر شد، WFP تعداد مبتلایان به ناامنی غذایی را در حدود ۱.۳ میلیون نفر تخمین زده بود. این تعداد با حذف حدود ۴۲ درصد از جمعیت حاصل شد که گفته می‌شد به‌عنوان پناهنده، مسئولیت آن‌ها با UNRWA است. از ۷۵۲.۰۰۰ نفر از افراد دچار به ناامنی غذایی، WFP پیشنهاد می‌کند که تنها به ۴۸۰.۰۰۰ نفر از آن‌ها کمک کنند، و ادعا می‌کند که ۲۷۲.۰۰۰ نفر دیگر «دارای امکانات وسیعی برای داشتن درآمد و مکانیسم‌های مقابله با ناامنی غذایی» هستند.

WFP قصد دارد تا یک سبد غذایی ارائه دهد تا رفاه نسبی را برای ۴۸۰.۰۰۰ نفر با حدود ۲۰۰۰ کیلوکالری به ازای هر نفر در روز فراهم کند. جدول دو محتوای سبد را نشان می‌دهد. افراد منتخب دچار ناامنی غذایی از طریق سه کانال به این سبد دست می‌یابند: (۱) جیره‌های غذایی رایگان مستقیم که ۱۸۸.۳۰۰ نفر را در ۳۶۵ روز سال پوشش می‌دهد؛ (۲) غذای روزانه برای ۱۰.۶۰۰ نفر در مؤسسات (بیمارستان‌ها، یتیم‌خانه‌ها و خانه‌های سالمندان)؛ و (۳) برنامه غذا برای کار^۸ (FFW) و غذا برای آموزش^۹ (FFT). این برنامه‌ها برای کمک به ۲۸۱.۱۰۰ نفر فقرا در سال، با تمرکز بر ایجاد یا بازسازی دارایی‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌ها، به‌ویژه برای زنان طراحی شده‌اند. از اعضای توانمند خانواده‌های هدف خواسته می‌شود که هر ماه بین ۲۰ تا ۲۵ ساعت کار کنند تا بتوانند در این زمینه کمکی کرده باشند (این برنامه‌ها حداکثر ۸ ماه کار برای هر نفر در سال را پیشنهاد می‌کند). برنامه‌ی WFP یک برنامه‌ریزی دو ساله است (سپتامبر ۲۰۰۵ تا اوت ۲۰۰۷). همانطور که در جدول سه دیده می‌شود، WFP برآورد می‌کند که برای انجام وظایف اعلام شده، به ۱۵۴.۰۶۹ تن کمک غذایی نیاز دارد. هزینه کل عملیات به مبلغ ۸۰.۹ میلیون دلار است که تنها ۴۹.۱ میلیون دلار (یا حدود ۶۰ درصد) به خرید مستقیم مواد غذایی اختصاص داده می‌شود.

^۸ . food-for-work

^۹ . food-for-training

جدول ۲: سبد غذایی و جیره روزانه	
تمام فعالیت‌ها	
۶۴۲	آرد گندم
۲۵	روغن
۴۰	
۱۸	شکر
۵	نمک یددار
۲۰۴۶	مقدار کیلوکالری روزانه به ازای فرد

منبع: WFP (۲۰۰۵)

برنامه های FFW و FFT بُعدی از توسعه را نیز به کمک‌های غذایی انسان‌دوستانه اضافه می‌کنند. اگر این برنامه‌ها به درستی اجرا شوند، می‌توانند به فقرای جدید کمک کنند تا معیشت خود را حفظ کنند و ارتقا بخشند. مشارکت‌کنندگان محلی به WFP کمک خواهند کرد تا برنامه‌های FFW و FFT را اجرا کنند و نیازهای توسعه را شناسایی کنند. زمینه‌های پیشنهادی مداخله عبارتند از: (۱) احیای زمین‌های کشاورزی، تسطیح و تراز کردن، کاشت درخت و تقویت جاده‌ها؛ (۲) بازسازی مخازن آب و سیستم‌های بهداشتی؛ و (۳) فراوری مواد غذایی و برگزاری دوره‌های سوادآموزی. ملاحظات جنسیتی نقش مهمی ایفا خواهند کرد و حداقل ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان در FFT زنان خواهند بود. با این حال، حتی پس از شناخت برخی از جنبه‌های بالقوه مثبت رویکرد کمک‌های غذایی، دیدگاه ما همچنان معتبر و انتقادی است: کمک‌های غذایی هرگز نمی‌تواند یک راه‌حل مؤثر و دائمی برای ناامنی غذایی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه باشد. اگرچه ابتکارات کمک‌های غذایی موجب کاهش برخی از مشکلات فلسطینیان شده است، اما اگر شرایط عادی کرانه‌ی غربی و نوار غزه دوباره احیا شود، دیگر به این تلاش‌ها نیاز نخواهد بود. در قلب این تخریب ویرانگر، فاجعه‌ای انسانی قرار گرفته است و افراد فعالی را که طی دهه‌ها توانسته‌اند استانداردهای معقول زندگی، نرخ تحصیلات نسبتاً بالا و اقتصاد کارا داشته باشند، به گروهی از مردم گرسنه تبدیل کند که در انتظار جیره‌ی غذایی ناچیزشان هستند تا زنده بمانند. جامعه بین‌الملل بهتر است برای حل مشکل ناامنی غذایی در فلسطین آنچه را که لازم انجام دهد تا قفسی که کل جمعیت فلسطین را محاصره کرده است بشکند.

جدول ۳: ریز هزینه‌ی پروژه‌ی کمک‌های غذایی برنامه‌ی جهانی غذا برای کرانه‌ی غربی و نوار غزه (۲۰۰۵ - ۲۰۰۷)

مقدار (تن)	هزینه متوسط (دلار/تن)	ارزش (دلار ایالات متحده)	
۱۵۴.۰۶۹	۳۱۹.۲۵	۴۹.۱۸۷.۲۰۰	کالا
۱۲۹.۴۱۸	۲۵۰.۰۰	۳۲.۳۵۴.۵۰۰	- آرد گندم
۶.۰۰۳	۹۵۰.۰۰	۵.۷۰۲.۸۵۰	- روغن
۱.۰۰۰	۳.۳۰۰.۰۰	۳.۳۰۰.۰۰	- روغن زیتون
۱۱.۲۰۶	۵۵۰.۰۰	۶.۱۶۳.۳۰۰	-
۵.۰۴۲	۲۷۵.۰۰	۱.۳۸۶.۵۵۰	- شکر
۱.۴۰۰	۲۰۰.۰۰	۲۸۰.۰۰۰	- نمک یددار
۱۵۴.۰۶۹	۶۷.۰۱	۱۰.۳۲۴.۱۶۴	حمل و نقل خارجی
۱۵۴.۰۶۹	۵۲.۳۴	۸.۰۶۴.۱۰۰	حمل و نقل داخلی
۱۵۴.۰۶۹	۸.۹۶	۱.۳۸۰.۰۰۰	دیگر هزینه‌های عملیاتی مستقیم
۱۵۴.۰۶۹	۴۳.۰۰	۶.۶۲۵.۲۰۰	هزینه‌ی کل پشتیبانی مستقیم
۱۵۴.۰۶۹	-	۵.۲۹۰.۶۴۶	هزینه‌ی پشتیبانی غیرمستقیم
	۸۰.۸۷۱.۳۱۰		هزینه‌ی کل WFP

منبع: WFP (۲۰۰۵)

نعمان کنفانی (Numan Kanafani) استاد دانشکده علوم زیستی دانشگاه کپنهاگ در مؤسسه‌ی اقتصاد و مدیریت منابع غذایی است (kan@life.ku.dk).

سامیه البتمه (Samia Al-Botmeh)، نویسنده دیگر، مدیر مرکز مطالعات توسعه در دانشگاه Birzeit است (abotmeh@birzeit.edu).

یادداشت‌ها:

۱. World Bank (۲۰۰۴, p. ۱).

۲. WFP (۲۰۰۶).

۳. PCBS (yearly reports).

۴. PCBS (۲۰۰۰).

۵. The first intifada took place during ۱۹۸۷-۱۹۹۳.

۶. طول کل موانع ۷۰۳ کیلومتر است، بیش از دو برابر طول خط مرزی که بین سال‌های ۱۹۶۷ تا کنون بین اسرائیل و کرانه‌ی غربی وجود داشته است. کل مساحت بین موانع و خط مرزی سال ۱۹۶۷، برابر با ۱۰.۲ درصد از مساحت کرانه‌ی غربی است (۵۷.۵۱۸ هکتار). پس از اتمام، ۶۰،۵۰۰ فلسطینی که در ۴۲ روستا زندگی می‌کردند، در مناطق بین این مانع و خط مرزی قدیمی (به استثنای اورشلیم شرقی فلسطین) ساکن خواهند شد. ۱۲۴،۳۰۰ فلسطینی دیگر که در ۲۸ روستا زندگی می‌کنند، در سمت شرقی قرار خواهند گرفت، که سه طرفشان را دیوار احاطه کرده است و سمت چهارم با سازه‌ای فیزیکی آن‌ها را تحت کنترل قرار داده است.

نگاه کنید به: دفتر هماهنگی امور انسان‌دوستانه سازمان ملل متحد در OPT، ژوئیه ۲۰۰۶، در

<http://www.ochaopt.org/>

۷. Kanafani (۲۰۰۴, p. ۲۷۶).

۸. World Bank (۲۰۰۴).

۹. World Bank (۲۰۰۳).

۱۰. FAO (۲۰۰۴).

۱۱. PCBS. Labor Force Surveys (۲۰۰۱, ۲۰۰۲, ۲۰۰۳).

۱۲. PCBS (۲۰۰۵).

۱۳. World Bank (۲۰۰۶, vol. ۱).

۱۴. تعداد فلسطینیانی که از سال ۱۹۹۷ کمک‌ها را دریافت می‌کنند، از Hilal and Malki (۱۹۹۷) گرفته شده است. برآورد تعداد افرادی که در سال ۲۰۰۲ کمک غذایی دریافت می‌کرده‌اند، از سازمان غذا و دارو (۲۰۰۴) گرفته شده است. داده‌های مربوط به جمعیت از PCBS (۲۰۰۶) است.

۱۵. Maxwell and Smith (۱۹۹۲); FAO (۲۰۰۲, p. ۲۵).

۱۶. توجه به سمت تقاضا با آثار ماندگار آمارتیا سن (Amartya Sen) به خوبی شناخته شده است؛ به عنوان مثال، Sen (۱۹۸۱) به گفته سن، از شکست حقوق نتیجه می‌شود: کاهش شدید توانایی فرد برای به دست آوردن مواد غذایی کافی به علت فقدان کمک‌های مالی یا کاهش شدید میزان غذا، می‌تواند با توجه به شرایط قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تغییر یابد.

۱۷. PCBS, Agricultural Statistics (۱۹۹۹, ۲۰۰۰, ۲۰۰۱); PCBS (۲۰۰۲).

۱۸. PCBS، آمار کشاورزی (۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸). وابستگی WBGS به واردات با توجه به محصولات گوشت، لبنیات و مصرف ماهی تقریباً وابستگی کامل است.

۱۹. بانک جهانی (۲۰۰۶). داده‌های شاخص قیمت از PCBS، شاخص قیمت مصرف‌کننده (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) گرفته شده است.

۲۰. FAO (۲۰۰۴)؛ داده‌های مصرف مواد غذایی از طریق هزینه‌های مصرفی خانوار PCBS و بررسی مصرف در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۸ به دست می‌آید.

۲۱. FAO (۲۰۰۴).

۲۲. World Bank (۲۰۰۳, paragraph ۲.۴).

۲۳. FAO (۲۰۰۴).

۲۴. WFP (۲۰۰۵).

۲۵. UNRWA: United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East.

۲۶. برنامه‌های UNRWA با برنامه‌های PA ارتباط ندارند. بر خلاف دومی، اولی به‌طور انحصاری از پناهندگان حمایت می‌کند.

۲۷. WFP (۲۰۰۵).

۲۸. WFP (۲۰۰۵, p. ۷)

مقاله‌ی بالا ترجمه‌ای است از:

Numan Kanafani and Samia Al-Botmeh, The political economy of food aid to Palestine, The Economics of Peace and Security Journal, Vol. ۳, No. ۲ (۲۰۰۸)

جدول A1 : روندهای تخمینی اقتصادی در کرانه‌ی غربی و نوار غزه

	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
درآمد ملی ناخالص سرانه* (به قیمت ثابت ۱۹۹۷ بر حسب دلار)	۱۰۶۱.۲	۱۵۲۶.۵	۱۶۳۸.۵	۱۸۱۵.۲	۱۸۸۸.۹	۱۶۸۴.۶	۱۴۱۱.۱	۱۲۶۷.۸	۱۲۹۱.۶	ناموجود	ناموجود
تولید داخلی ناخالص سرانه* (به قیمت ثابت ۱۹۹۷ بر حسب دلار)	۱۳۸۸.۲	۱۳۴۷.۸	۱۴۳۷.۷	۱۵۴۶.۲	۱۶۱۲.۳	۱۴۵۸.۳	۱۳۰۱.۸	۱۱۹۱.۳	۱۱۸۴.۸	۱۲۱۷.۸	۱۲۶۸.۲
درآمد ملی ناخالص سرانه (رشد سالانه واقعی به درصد)	۱.۶	- ۴.۷	۷.۳	۱۰.۸	۴.۱	- ۱۰.۸	- ۱۶.۲	- ۱۰.۲	۱.۹	ناموجود	ناموجود
تولید داخلی ناخالص سرانه (رشد سالانه واقعی به درصد)	- ۰.۱	- ۲.۹	۶.۷	۷.۵	۴.۳	- ۹.۶	- ۱۰.۷	- ۸.۵	- ۰.۵	۲.۸	۴.۱
سرمایه‌گذاری	۱۰۱۹.۵	۱۱۲۹.۱	۱۲۶۷.۰	۱۵۰۱.۳	۲۰۱۰.۴	۱۴۶۷.۴	۱۱۸۶.۲	۷۲۷.۲	۱۱۲۶.۳	ناموجود	ناموجود
صادرات	۶۶۷.۱	۷۲۹.۳	۷۶۷.۵	۹۱۹.۸	۹۵۳.۸	۸۸۹.۱	۶۰۵.۲	۵۶۵.۰	۴۴۲.۸	۴۴۹.۰	ناموجود
واردات	۲۵۶۸.۱	۲۸۲۷.۴	۳۰۲۸.۴	۳۴۴۸.۵	۴۰۹۴.۲	۳۵۰۵.۲	۳۱۵۵.۵	۲۶۱۵.۱	۲۹۲۹.۹	۳۲۹۲.۰	ناموجود
اشتغال (هزار نفر)	۳۰۹.۰	۴۳۲.۰	۴۶۷.۲	۵۳۳.۶	۵۹۱.۶	۵۹۵.۲	۵۰۸.۱	۴۸۷.۱	۵۹۰.۷	۶۰۴.۴	۶۳۳.۰
- شاغل در اسرائیل	۱۶.۲	۱۴.۱	۱۷.۱	۲۱.۷	۲۳.۰	۱۹.۶	۱۳.۸	۱۰.۳	۹.۷	۸.۷	۹.۹
درصد مشارکت نیروی کار (به درصد)	۳۹.۰	۴۰.۰	۴۰.۵	۴۱.۴	۴۱.۶	۴۱.۵	۳۸.۷	۳۸.۱	۴۰.۴	ناموجود	ناموجود
درصد بیکاری	۳۹.۳	۳۷.۵	۲۹.۶	۲۰.۹	۱۷.۲	۱۹.۱	۲۹.۵	۳۵.۶	۳۱.۸	ناموجود	ناموجود
- بیکاری آشکار	۱۸.۲	۲۳.۸	۲۰.۳	۱۴.۴	۱۱.۸	۱۴.۱	۲۵.۵	۳۱.۳	۲۵.۶	ناموجود	ناموجود
- اشتغال کم تخصص و کم پاداش	۲۱.۱	۱۱.۹	۹.۳	۶.۵	۵.۴	۵.۰	۴.۰	۴.۳	۶.۲	ناموجود	ناموجود
نرخ فقر (درصد از جمعیت با درآمد زیر ۲.۱ دلار در روز)	ناموجود	ناموجود	ناموجود	ناموجود	۲۰.۰	۲۷.۰	۳۷.۰	۵۱.۰	۴۷.۰	ناموجود	۵۱.۰

شاخص قیمت مواد غذایی (۱۹۹۶ = ۱۰۰)	ناموجود	۱۰۰.۰	۱۰۶.۲	۱۱۳.۹	۱۱۹.۳	۱۲۱.۲	۱۲۰.۷	۱۲۳.۸	۱۲۹.۵	۱۳۲.۳	۱۳۷.۶
--------------------------------------	---------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------

منابع: دفتر مرکزی آمار فلسطین (PCBS)، حساب‌های ملی (نسخ مختلف)، نظرسنجی نیروی کار (نسخ مختلف)، شاخص قیمت مصرف‌کننده (نسخ مختلف). داده‌های مربوط به فقر از بانک جهانی (۲۰۰۴؛ ۲۰۰۶).

* به جز شرق بیت‌المقدس

جدول A۲: کمک‌های غذایی جهانی رسیده به مناطق فلسطینی، سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ (به تن، معادل حبوبات غلات)

	غلات						غیر غلات						تمام غذاها						
	ضروریات			برنامه	پروژه		ضروریات			پروژه			ضروریات	برنامه	پروژه	کل			
	DT	LP	TP	DT	DT	LP	DT	LP	TP	DT	LP	TP							
۱۹۹۰	۷.۱۹۲	۷۱۸	۲.۳۹۶		۷.۹۸۶				۷.۴۹۱			۱۹	۱.۱۵۷			۱۷.۸۱۷		۹.۱۴۴	۲۶.۹۶۱
۱۹۹۱	۴۶.۱۸۲		۷.۵۳۵		۱.۲۳۳				۱۲.۲۸۵	۲۰۰			۲۶۲			۶۶.۲۰۳		۱.۴۹۵	۶۷.۶۹۹
۱۹۹۲	۶.۲۷۲		۴.۹۰۶		۱.۶۲۶	۱.۱۱۳			۶.۲۰۳		۴۸		۳۶۰	۴۳		۱۷.۴۳۴		۳.۱۴۲	۲۰.۵۷۷
۱۹۹۳	۸.۳۳۹		۶.۵۵۴		۴.۸۸۹	۱.۰۰۰			۴.۴۲۸		۹۳۳		۶۳۸			۲۰.۲۵۴		۶.۵۲۷	۲۶.۷۸۲
۱۹۹۴	۱۶.۵۴۹		۲۱.۶۵۹		۲.۸۶۴	۴.۵۴۴			۵.۰۵۱		۲۹۲		۱۶۸		۱۶۸	۴۳.۵۵۱		۷.۷۴۵	۵۱.۲۹۷
۱۹۹۵	۱۵.۶۱۳		۲۲.۸۷۶		۱.۴۴۲	۲۳۰			۷.۱۱۷		۳۸۷		۲۹۵	۳۳۲		۴۵.۹۹۵		۲.۳۰۰	۴۸.۲۹۵
۱۹۹۶	۱.۸۹۸		۵.۶۰۵						۸۸۸		۳.۱۸۲				۱۵۰	۱۱.۵۷۳		۱۵۰	۱۱.۷۲۴
۱۹۹۷		۲۷۴	۱۶۵		۶.۷۵۹	۲.۴۸۳		۲۰	۲.۸۵۰				۲.۱۸۵		۲۱۵	۳.۳۰۹		۱۱.۶۴۴	۱۴.۹۵۳
۱۹۹۸	۷.۵۰۰	۲۱۹			۸.۹۳۶	۳.۸۵۶			۳.۰۴۴		۱۵.۶۵۹		۷۳۸		۷۲۱	۲۶.۴۲۲		۱۴.۲۵۳	۴۰.۶۷۶
۱۹۹۹	۱۸.۹۱۵	۹۱۲		۳.۵۶۹	۱۴.۱۴۴	۱.۸۰۰			۳.۷۷۵							۲۳.۶۰۳	۳.۵۶۹	۱۵.۹۴۴	۴۳.۱۱۸
۲۰۰۰	۴.۲۴۴	۸۹۰	۶.۷۹۵		۱۰.۷۷۱				۳.۵۴۴		۳۰.۲۸۴					۴۵.۵۷۵		۱۰.۷۷۱	۵۶.۵۲۹
۲۰۰۱	۹۸.۹۹۲	۵.۱۷۷	۵۲.۳۵۰	۱۲.۱۹۳	۳.۲۷۳	۴۱۹			۹.۸۲۵						۲۱۹	۱۶۸.۴۰۲	۱۲.۱۹۳	۳.۹۱۱	۱۸۴.۵۰۷
۲۰۰۲	۳۰.۸۰۰	۱۱.۰۲۰	۱۹.۹۶۰	۴.۲۲۳	۴.۱۷۵	۷۶۴			۶.۷۸۲	۱۷۸						۷۲.۷۲۸	۴.۲۲۳	۴.۹۴۰	۸۱.۸۹۱
۲۰۰۳	۲۱.۷۳۲	۵.۴۱۸	۲۸.۲۴۶						۴.۴۳۶	۸۰۹						۶۶.۴۴۷			۶۶.۴۴۷

۲۰۰۴	۸۹.۶۹۷	۳۰.۰۷۵	۶۵.۰۳۱		۳.۹۲۴		۳.۷۴۷	۱.۳۷۴	۸.۲۹۷	۴۲۱			۱۹۸.۲۲۳		۴.۳۴۶	۲۰۲.۵۶۹
۲۰۰۵	۱۶.۰۷۶	۳۹.۵۹۹	۱۲.۲۸۷				۱.۴۱۲	۲.۹۴۷	۷.۴۹۲				۷۹.۸۱۵			۷۹.۸۱۵

منبع: اطلاعات ارائه شده توسط Interfais (سیستم اطلاعات بین‌المللی مواد غذایی)؛ برنامه جهانی غذا (WFP).

یادداشت‌ها: طبقه‌بندی کمک‌های غذایی: (۱) کمک‌های غذایی اضطراری: کمک به قربانیان بلایای طبیعی یا انسانی. این کمک به صورت آزادانه بین گروه‌های ذی‌نفع توزیع می‌شود؛ معمولاً به صورت کمک‌های مالی اعطا و از طریق سازمان‌های چندجانبه هدایت می‌شود؛ (۲) پروژه کمک‌های غذایی: کمک‌هایی است که هدف آن حمایت از کاهش فقر و فعالیت‌های پیشگیری از فجایع است. این کمک‌ها معمولاً به صورت آزادانه بین گروه‌های ذی‌نفع به صورت هدفمند توزیع می‌شود، اما ممکن است در بازار آزاد فروخته شود؛ بنابراین به عنوان کمک غذایی «پولی» معرفی می‌شود. (۳) برنامه کمک‌های غذایی: کمکی است که معمولاً به عنوان انتقال منابع برای تعادل پرداخت یا فعالیت‌های حمایتی بودجه ارائه می‌شود. حالت تحویل: DT (انتقال مستقیم): کمک‌های غذایی که مستقیماً از یک کشور کمک‌کننده می‌آیند؛ LP (خرید محلی): کمک غذایی در یک کشور خریداری شده و در همان کشور مصرف می‌شود. به عنوان مثال، WFP قصد داشت ۱۰۰۰ تن روغن زیتون را از کشاورزان فقیر فلسطینی خریداری کند که طی سال‌های ۰۷-۲۰۰۵ سه هکتار زمین یا کمتر داشتند؛ TP (معامله مثلثی): خرید یا مبادله مواد غذایی در یک کشور برای استفاده به عنوان کمک غذایی در کشور در حال توسعه دیگر.